

# برجسته‌سازی شخصیت‌های بدلی در برابر روحانیت اصیل

سجاد طاهری

نقل است چندی بعد از اعلان فتوای تاریخی میرزای شیرازی درباره تحریم تنباکو، یکی از بزرگان در سامرا خدمت این مرجع تقلید رسید و از وقایع ایران و از نفوذ کلام آن مرجع تعریف و تمجید نمود که «حتی در کاخ ناصرالدین شاه قاجار، زنان دربار قلیان‌ها را شکسته و به فتوای میرزا عمل می‌کنند.» میرزا بعد از شنیدن این کلام منقلب شده و اشک می‌ریزد، و می‌گوید: گریه و ناراحتی من به این دلیل است که دشمنان اسلام تاکنون نمی‌دانستند قدرت اسلام در کجاست، ولی از امروز فهمیدند؛ و از امروز برای شکستن قدرت اسلام کار می‌کنند.» پیش‌بینی این مرجع آگاه و زمان‌شناس به واقعیت پیوست و از آن روز به بعد نظام سلطه که رهبری آن در آن مقطع به دست انگلیس بود وارد میدان شد و در گام نخست شاگرد بزرگ او - شیخ فضل‌الله نوری - را بر دار برد.

برای شناخت بیش‌تر جایگاه مرجعیت و به عبارت دیگر نماد و محور روحانیت اصیل باید به عصر آغاز امامت امام عصر (عج) بازگشت. بعد از غیبت امام معصوم (عج) قدرت اسلام ناب، در روحانیت و مرجعیت متمرکز گردید و با توجه به ارتباط عمیق مردم با روحانیت در تمام طبقات اقتصادی و اجتماعی اعم از فقیر و غنی، تحصیل کرده و یا کم‌سواد، و نفوذ رأی آنان در بین مردم، از آن روز به بعد همواره گروه‌های اجتماعی گوناگون، خواسته یا ناخواسته، با اشتیاق و یا از سر آکراه، در صدد بودند تا به طیف روحانیت نزدیک شوند و یا از میان روحانیت حامیانی داشته باشند.

این مسئله در میان حاکمان و پادشاهان نیز جدی و حتی می‌توان گفت رویکردی غالب بوده است. از خلفای عباسی و عثمانی گرفته تا سلاطین صفویه و قاجار حتی پادشاهان پهلوی، همه به گونه‌ای به دنبال جلب نظر و حمایت روحانیت و مراجع برمی‌آمدند تا هم برای حکومت خویش مشروعیت کسب کرده و هم در میان توده‌های مردم چهره‌ای مقبول از خود جلوه دهند. تلاش برای این نزدیکی شامل احزاب گروه‌ها و دستجات سیاسی هم می‌شد. در کنار این تلاش برای شکل‌دهی روحانیتی درباری و دولت‌ساخته نیز ادامه داشت. در طول تاریخ، هر زمان روحانیت به عنوان یک نهاد مستقل فعال، در مقابله با انحرافات فرهنگی سیاسی، تصمیم به ورود به عرصه گرفته، صاحب بزرگ‌ترین و پرجمعیت‌ترین جنبش‌های اجتماعی شده است. برای نمونه، نهضت مبارزه با استعمار انگلیس در جنوب کشور، تحریم تنباکو، نهضت مشروطه، نهضت ملی شدن صنعت نفت و نهضت امام خمینی؛ همگی جنبش‌هایی بوده است که با رهبری نهاد روحانیت و همراهی مردم



شکل گرفت. بی شک یکی از مؤلفه‌های موفقیت این جنبش‌ها را می‌توان حضور روحانیت اصیل و انقلابی معرفی کرد؛ مؤلفه‌ای که انقلاب‌های اخیر کشورهای اسلامی به علت دورماندن از آن، ابتر مانده، دچار اختلاف‌های درونی و حتی جنگ داخلی شدند. این در حالی است که در انقلاب اسلامی ایران رهبری با دارا بودن شبکه‌ای عظیم از شاگردان و تربیت‌شدگان در مکتب خویش، در مناطق مختلف ایران با مدیریت بحران‌های اجتماعی منطقه‌ای، مانع گسترش و تبدیل آن به بحران ملی شده است.

حضور یکی از شاگردان و معتمدان امام خمینی، برای حل بحران‌هایی که به تهنایی برای زمین‌گیر کردن انقلاب اسلامی ایران کافی بود، کفایت می‌کرد. سیستان و بلوچستان، کردستان، خوزستان، آذربایجان، ترکمن صحرا و گرگان، ایلام، کرمانشاه، بوشهر، مازندران، شیراز، مشهد، اصفهان و... مهم‌ترین مناطقی بودند که پس از پیروزی انقلاب دچار بحران‌های قومیت‌گرایی، مذهبی، قبیله‌ای و... شدند که با مدیریت مناسب روحانیون مستقر در منطقه، تبدیل به نماد همدلی و وحدت ملی گردید. انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی در حقیقت تجلی روحانیت اصیل و انقلابی و الگویی برای سایر انقلاب‌ها شد.

دلیل اضافه کردن پسوند اصیل انقلابی به روحانی، علاوه بر یکی شدن و جمع اصالت با عمل انقلابی، تمایز با گروهی دیگر از روحانیون است که بنا بر دلائلی، همواره خلاف جریان غالب حرکت کرده است؛ هرچند که در اکثر جنبش‌های اجتماعی معاصر، اکثریت مردم خط و حرکت خود را با روحانیون اصیل تطبیق داده‌اند و «روحانیت اصیل» از پایگاه مردمی بسیار مستحکم برخوردار بوده و هست. ظلم‌ستیزی، تسامح نکردن با انحراف‌های فکری و اجرایی در مصادر حکومتی و همچنین همسوی بودن فضای اجتماعی و فرهنگی جامعه به‌ویژه دینداران را می‌توان

از خصیصه‌های بارز روحانیون اصیل دانست. در مقابل، تسامح و نزدیکی با جریان‌های انحرافی فکری چون انجمن حجّتیّه، سکولارها و جریان روشنفکری بیمار را می‌توان از شاخصه‌های جریان مقابل برشمرد که «روحانیت شبه‌مدرن» گویای واقعیت آن‌ها باشد؛ چراکه در بسیاری از موارد این قشر از روحانیت بر خلاف مبانی مورد ادعای خود عمل می‌کند و در مقام افتاء می‌نشیند و بعضاً در موضوعاتی برداشت‌های آنان به نفع جریان لیبرال دمکراسی تمام می‌شود. متأسفانه در بسیاری از موارد، این روحانیون اقدام به گسترش جریان‌های روشنفکری ضدفقه نمودند که خود داعیه‌دار فقه اهل‌بیت (علیهم‌السلام) بوده‌اند؛ یا از طرفی چنان روشنفکران می‌شوند که داعیه خود را در زمینه حفاظت از مرزهای عقیدتی اسلام و تشیع فراموش کرده و سعی در تقسیر مبانی فکری شیعه به نفع تمایلات روشنفکری طبقه سکولار داشته‌اند! چنین نگاهی از سوی این قشر موجب برجسته کردن این افراد از سوی جریان روشنفکری بیمار و سکولار شده و هر از گاهی شاهد عکس‌ها و نظره‌های آنان در مجالات این طیف فکری هستیم و این مجلات در اقدامی هماهنگ، آنان را صاحبان و دلسوزان انقلاب معرفی می‌کنند! در حالی که این جماعت بزرگ شده به وسیله رسانه‌های وابسته، در حفظ حکومت و تقویت نهاد حکومت ولی فقیه اگر نکوشیده باشند، در جهت تضعیف آن همواره قدم برداشته‌اند.

دلیل برجسته‌سازی این شخصیت‌ها و طرح موضوعات مطرح شده از سوی آن‌ها تنها و تنها معرفی آنان به عنوان روحانیون به‌روز و نوگرا از دیدگاه خود و جلوه دادن آنان به‌عنوان روحانیت واقعی است. حال این‌که بسیاری از این افراد حتی همراهی در مسیر تفسیر به رأی دین در مسائل اعتقادی همچون نبوت و وحی، و رسمیت بخشیدن به قرائت‌های بی‌ضابطه از متن دین، تشکیک در جایگاه و مراتب امامت

ائمه معصومین (علیهم‌السلام) را در کارنامه خود دارند! و اگر حفظ دین مردم را یکی از شاخص‌های روحانیت اصیل بدانیم باید گفت این جماعت به جای پاسخ‌گویی به شبهات جامعه دینی، خود به شبهه‌پراکنی دست می‌زنند و هرگز به مرز بی‌عامه مردم و خواص در طرح مسائل قائل نیستند.

حرکت هماهنگ رسانه‌های داخلی و خارجی در بزرگ‌نمایی برخی از افراد در حوزه علمیه به موازات تلاش برخی در داخل و خارج در اتهام‌زنی به روحانیت اصیل، نشانه ترس آنان از اتفاقی است که پس از سال ۱۳۴۲ در ایران و تا به امروز رخ داده و آن جریانی است که با درهم آمیختن علم و علم حماسه آفریند.

از روزهای آغازین انقلاب، تلاش‌های وسیعی برای تحریف انقلاب و وارونه نشان دادن شخصیت‌های روحانیت اصیل صورت گرفت و پس از مقطع دوم خرداد این تلاش‌ها مضاعف شد، اما در چند سال گذشته شاهد حرکتی هماهنگ و سازمان‌دهی شده در تحریف نهضت امام و یاران امام هستیم و به همین سبب است که رهبری معظم انقلاب در چند سال گذشته بیش از هر زمان دیگری بر مکتب امام و شاخص‌های مکتب ایشان و بازگشت به مکتب و سیره امام اشاره دارند؛ مسأله‌ای که با رویش نسل جدیدی از روحانیت اصیل ارتباط تنگاتنگ دارد. متأسفانه در حالی که مراکز اسناد و متولیان فرهنگی کشور هنوز درباره برخی از یاران امام و طلاب‌داران انقلاب و دفاع مقدس در برخی از استان‌ها و شهرستان‌ها مطلبی به چاپ نرسانده‌اند و چهره و سلوک روحانیون اصیل برای نسل کنونی به ویژه طلاب جوان پنهان مانده است، در سوی مقابل شاهد برجسته‌نمایی افرادی تازه به میدان آمده هستیم که حتی انقلاب را هم به یاد ندارند!

بیم آن می‌رود که به موازات سندسوزی‌ها و سندسازی‌های جریان مقابل روحانیت اصیل، خاطرات و اسناد مربوط به روحانیت اصیل هم از حافظه تاریخی انقلاب زدوده شود.